

برنامه‌ی مربوط به حقوق بشر به‌طور گسترده‌ای پخش شد. در واقع چهار عضو برجسته‌ی کمیسیون حقوق بشر: خانم النور روزولت (ایالات متحد) رئیس «کمیسیون»، آقای پ. س. شانگ (چین) معاون، آقای چارلز مالک (لبنان) گزارش‌گر، و استاد رنه کاسن (فرانسه) شخصیت‌های اصلی آن بودند. شخصیتی اساسی نیز که نقش او بسیار فراتر از وظایف عادی مأمور یک سازمان بود به این «کمیسیون» یاری می‌رساند: جان. پ. هامفری، حقوق‌دان کانادایی که به مدیریت بخش حقوق بشر در دبیرخانه‌ی تازه تأسیس سازمان ملل متحد برگزیده شده بود. گروهی از نمایندگان سازمان‌های غیرحکومتی که در عرصه حقوق بشر بسیار باصلاحیت و فعال بودند، نقش مشوق، راهنما و مشاور اعضای اصلی «کمیسیون» را برعهده داشتند. این نمایندگان بدین ترتیب پیکار خود را برای پیشبرد مأموریت ملل متحد در زمینه حقوق بشر پیگیری می‌کردند، مأموریتی که حاصل مذاکرات در جریان تدوین منشور ملل متحد بود.

● النور روزولت

خانم النور روزولت، بیوه‌ی رئیس‌جمهور ایالات متحد آمریکا، مرحوم فرانکلین دلنو روزولت، که نامش تقریباً مترادف جنگ با فاشیسم و تلاش در راه گسترش نهادهای بین‌المللی حامی صلح و آزادی بود، بزرگ بانویی بسیار فعال و پیشتاز محسوب می‌شد. با این همه با صحنه‌های سیاسی که معمولاً در انحصار دیپلمات‌های بین‌المللی قرار داشتند اصلاً خو نگرفته بود. او بیشتر دوران کودکی خود را در انزوا و به تنهایی گذرانده و با وجود نداشتن تحصیلات عالی دانشگاهی به شریک مطمئن یکی از استثنایی‌ترین زوج‌های سیاسی تاریخ بدل شده بود. او چشم و گوش رئیس‌جمهور روزولت محسوب می‌شد که فلج گشته و در صندلی چرخ‌دارش میخ‌کوب شده بود؛ همواره و خستگی‌ناپذیر به سفر می‌رفت، پیام می‌فرستاد، به همسرش گزارش می‌داد و تشویقش می‌کرد؛ مسائل و مشکلات افراد گوناگون را با بخش‌های مختلف دولتی در میان می‌گذاشت — بعدها این کار را به نحوی رسمی‌تر به عنوان مأمور رسیدگی به شکایات «Ombudswoman» انجام می‌داد — و به شکرانه‌ی همه‌ی این امور آوازه‌ی سیاسی شخصی گسترده‌ای به هم زده بود.

پس از مرگ فرانکلین د. روزولت، جانشین او هاری ترومن - که از نظر سیاسی هنوز بی تجربه بود و به اندازه‌ی کافی مطمئن نبود - از خانم روزولت درخواست کرد که به نخستین هیأت نمایندگی ایالات متحد در ملل متحد پیوندد. او این هدف آشکارا سیاسی را دنبال می‌کرد که النور روزولت را در گروه «خودش» داشته باشد و در عین حال او را از بعضی مسائل سیاسی حساس که رفته‌رفته با آن‌ها خو گرفته بود، دور سازد. این انتخاب مایه‌ی حیرت اعضای از این هیأت نمایندگی شد که پیشتر برگزیده شده بودند. آنان توانستند النور روزولت را به سومین کمیته «تبعید کنند». این کمیته مسئول مسائل اجتماعی، انسان دوستانه و فرهنگی بود و اعضای پیشین هیأت نمایندگی ایالات متحد می‌اندیشیدند که در چنین کمیته‌ای در مورد مهم‌ترین مسائل بحثی نمی‌شود و در نتیجه نباید از اقدامات النور روزولت به هیچ وجه نگران بود. بدین ترتیب عادی به حساب می‌آمد که او به نمایندگی در «شورای اقتصادی و اجتماعی»، و سرانجام به ریاست کمیسیون حقوق بشر نیز برگزیده شود.^{۱۲}

النور روزولت نه فردی دانشگاهی بود و نه روشنفکری برجسته. مشارکت او در نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ربطی به تحلیل فلسفی یا حقوقی نداشت.^{۱۳} او

۱۲. برای تحلیل مشروح‌تر نقش النور روزولت در کمیسیون حقوق بشر رجوع شود به:

Glen Johnson, «The Contributions of Eleanor and Franklin Roosevelt to the Development of International Protection for Human Rights», *Human Rights Quarterly* 9:1, February 1987, pp. 19-48.

۱۳. گویا او نخستین کسی بود که محدودیت‌های خاص خود را در مقام رئیس کمیسیون حقوق بشر پذیرفت و بیان کرد. یک بار با خوانندگان خود (در روزنامه‌ای که در آن از سال‌های دهه‌ی ۳۰ تا چند روز پیش از مرگش در ۱۹۶۲، ۶ روز در هفته ستونی داشت) نکته‌ی زیر را در میان گذاشته بود:

«نگارش پیش‌نویس اعلامیه‌ی حقوق، برای همکارانم در گروه نگارش، به‌ویژه برای دکتر پ. س. چانگ، دکتر چارلز مالک و جان هامفری که همگی اشخاص بسیار فرهیخته‌ای هستند، ممکن است چندان دشوار و سهمگین جلوه نکند اما این کار در نظر من وظیفه‌ای است که برای آن به هیچ‌وجه آمادگی ندارم.

با این همه امیدوارم بتوانم به آنان در پیدا کردن واژگانی که از دل تاریخ و نیز از اوضاع روز و واقعیت‌های معاصر بیرون می‌کشند به‌نحوی یاری رسانم تا همگان بتوانند هدف‌هایی را که ما دنبال می‌کنیم دریابند و برای آن‌ها بسبج شوند. اغلب به همسرم می‌گفتم که اگر بتواند

←

اهل عمل بود، دیگران را تشویق می‌کرد، دشواری‌ها را آسان می‌ساخت و برای رسیدن به هم‌نظری تلاش می‌ورزید. با همین خصوصیات بود که او وظیفه‌ی خطیر ریاست کمیسیون حقوق بشر و کمیته‌ی نگارش آن را برعهده گرفت. اگر این خصوصیات نبود، اگر این استعداد در برقراری مستقیم روابط انسانی متعدد نبود و اگر این توانایی در آشتی دادن دیدگاه‌های فرهنگی اغلب متضاد نبود امروزه اعلامیه‌ای جهانی نداشتیم که به اتفاق آرا در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیده و در دیگر متن‌های اساسی ملل متحد و در قانون اساسی بسیاری از کشورها بارها و بارها به آن ارجاع شده است.^{۱۵}

باید افزود که شور و شوقی که او از خود نشان داد و دقتی که در انجام مأموریتش به کار برد، در کنار اعتبار عامی که در ایالات متحد و کشورهای دیگر از آن برخوردار بود، به مجموعه‌ی این اقدامات [تدوین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر] دامنه‌ای بخشیدند که بی‌حضور النور روزولت چه بسا امکان‌پذیر نمی‌شد.^{۱۶}

النور روزولت پیکار در راه حقوق بشر را در سال‌های پس از جنگ با چنان نحوه‌ی متفاوتی تجسم بخشید که گاهی فراموش می‌شود که گرداگرد او در «کمیسیون»، یا در درون دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد، و یا در یکایک سازمان‌های

موضوعی را به من بفهماند، دیگر آن موضوع برای همه افراد در کشور روشن خواهد بود. شاید اساس نقش من و ارزش واقعی مشارکت در کمیته‌ی نگارش اعلامیه‌ی جهانی در همین نکته باشد.

Eleanor Roosevelt, «My Day», Release date, February 12, 1947, *Eleanor Roosevelt Papers*, Bibliothèque Franklin D. Roosevelt, Hyde Park, New York.

۱۵. این نظر یارتر مک‌کیور است که همکار ا. روزولت در ملل متحد بود. مصاحبه‌ی یارتر مک‌کیور، ۲۴ مارس ۱۹۷۹، به نقل از:

Eleanor Roosevelt Oral History Project, Bibliothèque Roosevelt, Hyde Park, New York.

۱۶. جان پ. هامفری که در آن زمان مدیر بخش حقوق بشر در دبیرخانه‌ی ملل متحد بود، این مأموریت را مهم‌ترین اقدام النور روزولت می‌داند:

John P. Humphrey, *Human Rights and the United Nations: A Great Adventure*, Dobbs Ferry, New York: Transnational Publishers, 1984, p. 5.

متعدد غیرحکومتی، گروهی از اشخاصی یافت می‌شدند که آن همه شایستگی و گیرایی استثنایی داشتند.

● پ. س. چانگ

معاون کمیسیون حقوق بشر دکتر پ. س. چانگ بود که پرورشی اساساً آمریکایی داشت: تحصیلات عالی خود را ابتدا در دانشگاه کلارک گذرانده و سپس در دانشگاه کلمبیا دنبال کرده بود. در دانشگاه اخیر دوره‌ی دکتری را به پایان رسانده و رساله‌ای را درباره‌ی آموزش و پرورش در خدمت مدرن‌سازی در چین عرضه کرده بود. او با وجودی که اساساً هم به‌طور شخصی و هم در چارچوب دانشگاهی تربیت و پرورش «سبک غربی» داشت، یکی از اعضای نادر «کمیسیون» بود که همواره به همکاری‌های یادآوری می‌کرد که اعلامیه‌ای «جهانی» باید نظام‌های فلسفی غیرغربی را نیز دربرگیرد و خود وی نیز غالباً برای روشن شدن مناظرات، به اصول کنفوسیوس ارجاع می‌کرد. چانگ استاد میهمان در دانشگاه شیکاگو و چند دانشگاه در انگلستان بود. به گفته‌ی جان. پ. هامفری او از تسلط خود بر فلسفه‌ی کنفوسیوسی برای رسیدن به مصالحه در موارد بسیار حساس و دشوار بهره می‌جست.^{۱۷}

● چارلز مالک

چارلز مالک (اهل لبنان) نقش گزارش‌گر «کمیسیون» را برعهده گرفت. این مسیحی اورتودوکس یونانی‌تبار، رئیس «شورای اقتصادی و اجتماعی»، و در جریان مناظرات درباره‌ی «اعلامیه‌ی جهانی»، رئیس «سومین کمیته» در ۱۹۴۸ نیز بود. در دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB)، فرایبورگ و هاروارد فلسفه خوانده و دکتری فلسفه گرفته و سپس چند سال در دانشگاه بیروت به تدریس پرداخته بود. در ۱۹۵۱ پس از خانم روزولت به ریاست کمیسیون حقوق بشر رسید و بعدها رئیس مجمع عمومی شد. چارلز مالک از جهات متعددی شخصیتی برجسته و برتر بود. ناظران وزارت امور خارجه درباره‌اش نوشته‌اند که لقب «ورزشگاه ذهنی و فلسفی» را

17: J. Humphrey, *op. cit.* (16), p. 23.

به دست آورده بود و عده‌ای نیز وی را «نامرسوم و غیرعادی» می‌خواندند.^{۱۸} او در جریان نگارش و تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد. داروارد سانديفر، یکی از معاونان النور روزولت در وزارت امور خارجه معتقد بود که خانم روزولت و آقای مالک هر دو در به نتیجه رسیدن تمام کوشش‌های انجام‌شده برای نگارش و تصویب «اعلامیه‌ی جهانی» نقش اساسی داشته‌اند.^{۱۹} مالک با اعتقاد راسخ به این که مبنای حقوق بشر حقوق طبیعی است، در اغلب موارد دیرجوش و گاهی جزمی و سرسخت بود. او از کوشش برای گنجاندن این نکته در متن «اعلامیه» که حقوق بشر از حقوق طبیعی سرچشمه می‌گیرد پشتیبانی کرد، کوششی که نتیجه‌بخش نبود و گاهی نیز منشأ دودستگی می‌شد.^{۲۰}

● رنه کاسن

چهارمین عضو تعیین‌کننده‌ی «کمیسیون»، حقوق‌دان برجسته‌ی فرانسوی رنه کاسن بود که بعدها در ۱۹۶۸ جایزه‌ی صلح نوبل را به سبب مجموعه‌ی تلاش‌هایش در راه دفاع از حقوق بشر به دست آورد. او یکی از مهم‌ترین حقوق‌دانان فرانسوی و مدتی رئیس دانشکده‌ی حقوق دانشگاه پاریس بود. پس از شروع جنگ جهانی دوم، در لندن به ژنرال دوگل پیوسته، اعتبار گسترده‌ی خود را در اختیار

18. United States, Department of State, «Bibliographic Reports» dans *US Delegation Handbook*, N° 2. Nations Unies Commission on Human Rights, Third Session, Lake Success, New York, May-June 1948, dans Boite 4595, *Eleanor Roosevelt Papers*, Bibliothèque F.D. Roosevelt (New York).

۱۹. مصاحبه‌ی داروارد سانديفر در ۲۷ آوریل ۱۹۷۹، به نقل از: *Eleanor Roosevelt Oral History Project*, E. R. Papers, Bibliothèque F.D. Roosevelt (New York).

۲۰. در این باره به مقاله‌ی زیر رجوع شود:

«International Business - Government Relation», Sol Linowitz, Charles H. Malik and Daniel Parker, *The Creative Interface: International Business-Government relations*, vol. 2. Washington: American University.

همچنین رجوع شود به:

Charles H. Malik, *War and Peace*, Stamford, Conn.: The Overbook Press, 1950.

«نهضت مقاومت» گذاشته و مشاور حقوقی اصلی این نهضت شده بود.^{۲۱} کاسن ناطقی برجسته و ماهر بود. «کمیته‌ی نگارش» از او درخواست کرد که پیش‌نویس اولیه‌ی «اعلامیه» را بنویسد. این پیش‌نویس دستی که در جریان تعطیلاتی طولانی به نگارش درآمد، بوته‌ی آزمایش بسیار جالبی بود که پیشنهادهای دولت‌ها و سازمان‌های غیرحکومتی گوناگون را ترکیب می‌کرد. اگرچه فرانسویان و آمریکاییان گاهی کوشیده‌اند که فضل تقدم در تدوین «اعلامیه» را به خود اختصاص دهند، یکی از مسئولان وزارت امور خارجه‌ی آمریکا ارزیابی کرده است که مهم‌ترین و برجسته‌ترین اعضای «کمیسیون»، رنه کاسن والنور روزولت بوده‌اند. در یادداشتی از وزارت امور خارجه‌ی آمریکا گزارش شده که کاسن «به دیگر اعضای کمیسیون توجه و محبت بسیار داشته، خوش‌برخورد و آسان‌گیر بوده و نمی‌کوشیده است که عقاید معمولاً بسیار سازنده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند.»

● دیگر اعضای کمیسیون

النور روزولت، پ. س. چانگ، چارلز مالک و رنه کاسن بی‌هیچ تردیدی «غول‌های کمیسیون» در فرایند نگارش و تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بودند. ولی اعضای دیگری نیز در «کمیسیون» وجود داشتند که در مرحله‌های مختلف نقشی مهم ایفا کردند.

استاد ف. دوهوس به ویژه نقشی کاملاً مهم در کار «کمیسیون» ایفا کرد. او سوسیالیستی اهل بلژیک، استاد حقوق در دانشگاه لیژ، و در طول اشغال‌گری سپاهیان آلمانی، ناشر روزنامه‌ای مخفی بود. وزارت امور خارجه‌ی آمریکا او را فردی معرفی می‌کند که «باهوش، پرتوان و خوش‌برخورد است اما به صراحت و رک‌گویی بسیار گرایش دارد.»

نماینده‌ی استرالیا، سرهنگ روی هاجسون به سبب خدماتی که در اولین جنگ جهانی انجام داده، نشان صلیب جنگ گرفته بود. او فردی پیچیده به حساب می‌آمد: ملی‌گرا، بسیار صادق و صریح بود و گاهی در مبارزه برای دفاع از ملت‌های کوچک

۲۱. اطلاعات و ارزیابی‌های کتاب‌شناختی متن دکتر گلن جانسون از «گزارش کتاب‌شناسی» وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحد آمریکا گرفته شده‌اند.

در دنیای قدرت‌های بزرگ، زود به خشم می‌آمد.

خانم هانسا مهتا که نمایندگی هندوستان را برعهده داشت، عضو فعال کنگره ملی هند بود. او به سبب فعالیت‌های ضد استعماری‌اش مدتی طولانی زندانی بود. خانم مهتا رئیس دانشگاه زنان SNDT بود و وزارت امور خارجه‌ی آمریکا وی را شخصی باهوش و بهره‌مند از اندیشه‌ای روشن می‌دانست. متأسفانه از آنجا که با صدایی چنان ضعیف سخن می‌گفت که شنیده نمی‌شد، کارآیی‌اش تا حدی به چشم نمی‌آمد.

● جان. پ. هامفری

در درون دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد، مسئول اصلی کار کمیسیون حقوق بشر، جان. پ. هامفری، مدیر بخش حقوق بشر در قسمت امور اجتماعی بود. او اهل کانادا، حقوق‌دانی بین‌المللی، مردی اهل عمل و در عین حال، در مورد حقوق بشر، آرمان‌گرایی پرشور بود. جان هامفری که رئیس سابق دانشکده‌ی حقوق دانشگاه مک‌گیل (کانادا) بود، در گزارش وزارت امور خارجه‌ی آمریکا چنین توصیف شده: مردی با «توانایی‌های استثنایی برای مدیریت سازنده». او که به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تسلط داشت و کارمندی عالی‌رتبه با توانایی‌های گسترده بود، سرانجام نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد: دیدگاه‌های فرهنگی انگلیسی‌زبانان و فرانسوی‌زبانان، دانشگاهیان و افراد اهل عمل، سیاست‌گذاران و مجریان را به هم پیوند داد و نزدیک کرد. مسئولیت سنگین گردآوری و تحلیل مجموعه‌ی اسناد ضروری برای کمیسیون حقوق بشر برعهده‌ی او بود. جان هامفری آن‌ها را به صورت یک مجموعه‌ی اسناد ۴۰۸ صفحه‌ای با نام «Documented Outline» («داده‌های مستند عام») عرضه کرد که به سند کاری «کمیسیون» بدل شد.^{۲۲} او پس از سال‌ها خدمت در ملل متحد، برای تدریس به دانشگاه مک‌گیل بازگشت. از آن پس کوشش خود را برای دفاع از

22. United Nations, Economic and Social Council, Division of Human Rights/Nations unies, Conseil économique et social, Division des droits de l'homme, *Documented Outline*, Nations Unies Doc E/CN. 4. AC. 1/3/Add. 1, June 2, 1947 (Boîte 4594, Eleanor Roosevelt Papers, Bibliothèque F.D. Roosevelt, New York).

حقوق بشر در کانادا و نیز در چهارگوشه‌ی دنیا ادامه داد. آثار متعددی درباره‌ی حقوق بشر به‌طور عام و «اعلامیه‌ی جهانی» به‌طور خاص نوشته و به تازگی خاطرات خود را درباره‌ی تلاش‌هایش در درون ملل متحد در راه دفاع از حقوق بشر منتشر کرده است. تازه‌ترین اثرش نیز با نام «No Distant Millennium» به زبان انگلیسی چاپ شده است.*

● سازمان‌های غیرحکومتی

گروه اشخاص استثنایی پیشگفته در همکاری با نمایندگان متعددی از سازمان‌های غیرحکومتی فعالیت می‌کردند. نهادینه شدن مشارکت سازمان‌های غیرحکومتی یکی از ابتکارهای برجسته‌ی سازمان جدید ملل متحد بود. کار مربوط به حقوق بشر یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این مشارکت به حساب می‌آید. افراد و سازمان‌ها، پیش‌نویس‌ها و ملاحظات‌شان را به «کمیسیون» عرضه می‌کردند و نمایندگان بعضی از سازمان‌های غیرحکومتی در نشست‌های «کمیسیون»، از جمله در نشست‌های کمیته‌ی نگارش اعلامیه، حضور منظم و حتی مشارکت داشتند. این عملکرد ادامه‌ی مستقیم همان عملکردی به حساب می‌آید که به هنگام نگارش منشور ملل متحد در پیش گرفته شده بود.

از میان این سازمان‌های غیرحکومتی باید از «مؤسسه‌ی حقوق آمریکایی» نام ببریم که در پناه حمایت گسترده‌ی دولت پاناما، تدوین یکی از پیش‌نویس‌های مهم «اعلامیه‌ی جهانی» را برعهده گرفته بود. آلفردو آلفارو، وزیر امور خارجه‌ی پاناما هم یکی از نویسندگان این پیش‌نویس بود. پیش‌نویس‌ها و تفسیرهای مهم دیگری را نیز سازمان‌های زیر به «کمیسیون» ارائه کردند: فدراسیون آمریکایی کار، کمیسیون پژوهش برای سازمان صلح (وابسته به انجمن آمریکایی دفاع از ملل متحد)، کمیته‌ی یهودی آمریکایی، شورای ائتلافی کلیساها، اتحادیه‌ی زنان، انجمن وکیلان آمریکایی و... اگرچه سازمان‌های غیرحکومتی آمریکای شمالی از جمله سازمان‌هایی بودند که بیشترین مشارکت را داشتند، «کمیسیون» اطلاعیه‌های متعددی را از سازمان‌های غیرحکومتی بین‌المللی - انجمن بین‌المللی وکیلان، اتحادیه‌ی بین‌المللی حقوق

* نگاه کنید به کتاب‌شناسی.

بشر - سازمان‌های غیرحکومتی‌ای که به رسمیت شناخته نشده‌اند، مانند گروه‌های هوادار صلح، انجمن‌های حقوق‌دانان، انجمن‌های دینی و نیز افراد خاصی از تمام کشورها و به ویژه از آلمان، آرژانتین، استرالیا، کانادا، دانمارک، ایالات متحد آمریکا، فرانسه، فلسطین و انگلستان دریافت داشت.^{۲۳}

مباحثه درباره‌ی ماهیت و گستره‌ی

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

«کمیسیون هسته‌ای» و «کمیسیون کامل» در وهله‌ی اول بایستی به تعریف وظیفه‌ی خود می‌پرداختند. در آغاز و در اصل بایستی معنا و اهمیت «اعلامیه‌ی جهانی حقوق» را تعریف می‌کردند. اعضای کمیسیون حقوق بشر پس از بررسی اعلامیه‌های پیشین ملی درباره‌ی حقوق بشر - اعلامیه‌ی فرانسوی حقوق بشر و شهروند، منشور حقوق شهروندان آمریکایی - و تمام پیش‌نویس‌های پیشنهادی دولت‌ها و سازمان‌های غیرحکومتی مختلف، به این نتیجه رسیدند که سه نوع برخورد را می‌توان به‌طور جداگانه یا به هم پیوسته در پیش گرفت. برخورد اول عبارت بود از نگارش اعلامیه‌ی صرفِ هدف‌ها یا هنجارهایی که فاقد صراحت و مقام و اهمیت مقررات قانونی است و به عنوان موضع‌گیری مجموعه‌ی جامعه‌ی ملل از نیرویی اخلاقی برخوردار خواهد بود. برخورد دوم مبتنی بود بر نگارش یک یا چند معاهده (یا «پیمان») که، بر اساس حقوق بین‌المللی، در حکم قراردادهای قانونی باشند و در نتیجه دولت‌های امضاکننده را متعهد سازند. برخورد سوم بر تمرکز روی مسأله‌ی تدابیر عملی و تعیین ساختارهای بین‌المللی محافظت از حقوق بشر مبتنی بود.

از همان آغاز به روشنی مشخص شد که مسأله‌ی تدابیر عملی دشوارترین مسأله است، زیرا موضوع صلاحیت ملی کشورها را به مستقیم‌ترین وجه مطرح می‌سازد. آن دو برخورد دیگر نیز مسائلی را پیش می‌کشیدند که حل‌شان بیشتر در گرو تحویل رویدادها بود تا حاصل تصمیمی صوری. این مسائل در تمام طول اجلاس‌هایی که

۲۳. متن بسیاری از اطلاعیه‌ها در بایگانی‌های ملل متحد در نیویورک موجود است:

New York (NY), Central Registry, 1946-1947, RAG. 1/13, dossier n°

605-5-1-2-3.

«کمیسیون» و «شورای اقتصادی و اجتماعی» به حقوق بشر اختصاص داده بودند تا هنگام تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی ملل متحد مورد بحث بودند.

کسانی که می‌خواستند به کار نگارش اعلامیه‌ی عام اولویت بدهند، توضیح می‌دادند که در تمام دنیا مردم منتظر یک اقدام بین‌المللی سریع هستند و در نتیجه ملل متحد باید به سرعت عمل کند؛ بی‌هیچ تردیدی اعلامیه ممکن است بسیار زودتر به تصویب برسد، زیرا نه به واژگان حقوقی دقیق و مشخصی نیاز دارد و نه به فرایند طولانی تصویب دولت‌ها. به علاوه آنان خاطرنشان می‌کردند که چنین اعلامیه‌ای از اعتباری چشم‌گیر برخوردار می‌گردد، زیرا نخستین تأیید هم‌نظری بین‌المللی درباره‌ی حقوق بشر خواهد بود.

در برابر این استدلال‌ها کسانی که کار تدوین معاهدات را برتر می‌شمردند، خاطرنشان می‌کردند که اعلامیه‌های صرف از آن رو نامناسب هستند که نه در عرصه‌ی ملی جنبه‌ی اجرایی دارند و نه در عرصه‌ی بین‌المللی. آنچه همگان بی‌صبرانه انتظارش را می‌کشند، تهیه‌ی ساختارهای واقعی و مؤثر حمایت حقوقی است. اعلامیه‌ی صرف با این خطر روبه‌رو است که فریب‌کاری زیان‌باری بیش نباشد. عده‌ای معتقد بودند که صدور اعلامیه‌ای پرسروصدا و پرتبلیغات، جنبش گسترده‌ی طرفدار اقدامی مؤثر را دست‌کم تا حدی از شور و شوق می‌اندازد و سست می‌کند، و در نتیجه، تصویب معاهدات الزام‌آور بسیار دشوارتر می‌شود.^{۲۴}

«کمیسیون هسته‌ای» مسأله را حل نکرد اما تمایل خود را به یک اعلامیه‌ی جهانی حقوق نشان داد که از این امتیاز برخوردار بود که نگارش سریع آن ناممکن نبود.^{۲۵} اما «شورای اقتصادی و اجتماعی» از گزینش میان این برخوردهای مختلف

۲۴. به عنوان نمونه نگاه کنید به استدلال‌های خانم نیولندز، نماینده‌ی زلاندنو در جریان مناظرات «سومین کمیته»:

(United Nations, General Assembly, Official Records of the Third Session of the General Assembly, Part I, Social, Humanitarian and Cultural questions, Third Committee, *Summary Records of Meetings, 21 sept.-8 déc., 1948*, Lake Success, New York, 1948, p. 34).

25. UN Doc E/38/Rev. 1 May 21, 1946, Commission on Human Rights, Report of

خودداری ورزید و «کمیسیون» را دعوت کرد که همچنان در مورد اعلامیه، معاهدات الزام‌آور و تدابیر عملی کار کند. در نهایت، هنگامی که از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در مجموع سخن به میان می‌آمد، به همین سه جنبه از مسأله ارجاع می‌شد. بر پایه‌ی تمام این اسناد، «کمیته‌ی نگارش» در این باره به بحث پرداخت که از میان اعلامیه‌ای با الزام اخلاقی یا معاهده یا قراردادی با الزام قانونی، بهتر است کدام یک را برگزید.

در این مرحله نمایندگان آمریکایی رفته‌رفته از مسائلی نگران می‌شدند که اگر بایستی معاهده یا قراردادی الزام‌آور را برای تصویب به سنای آمریکا بفرستند - معاهده‌ای که چه بسا متن آن بیان مصالحه‌ای دیپلماتیکی می‌بود - احتمالاً در سنا مطرح می‌شدند.^{۲۶} این نگرانی که هرچه بیشتر نمایان می‌شد، گرایش نمایندگان ایالات متحده را به گزینشی تقویت کرد که می‌خواست در وهله‌ی اول یک «اعلامیه» نگاهشته شود. این گرایش پیشتر نیز در تمایلی آشکار بود که النور روزولت نسبت به انجام کاری محسوس در کم‌ترین زمان ممکن به روشنی بیان کرده بود. اما انگلیسی‌ها دیدگاهی متفاوت داشتند و معتقد بودند چیزی که فقط اعلامیه‌ی صرف نیت و مقاصد باشد، ارزش کمی خواهد داشت. آنان - همان‌گونه که به هنگام تأسیس جامعه‌ی ملل رفتار کرده بودند - قراردادی قانونی را ترجیح می‌دادند که برای دولت‌های امضاکننده الزام‌آور باشد و تعهدات مشخصی را دربرگیرد.^{۲۷}

«کمیسیون» در وهله‌ی نهایی تصمیم گرفت که به کار همزمان در مورد هر دو برخورد ادامه دهد؛ اما در واقع بخش اعظم توجه و کوشش‌هایش را به «اعلامیه» اختصاص داد. «کمیته‌ی نگارش» یک گروه کاری موقت را برگزید که از رنه کاسن، چارلز مالک، النور روزولت و جنوفری ویلسون تشکیل شده بود. این گروه از

←

the commission on Human Rights to the Second Session of the Economic and Social Council, p. 6.

26. Mémorandum: «Conversation between Mrs Roosevelt, Senator Austin, Mr. Ross, Mr. Winslow and Mr. Hendrick», July 3, 1947 (boîte 4587, Eleanor Roosevelt papers, bibliothèque F.D. Roosevelt, New York).

27. J.F. Green, *op. cit.* (7), p. 26.

رنه کاسن درخواست کرد که با توجه به رهنمودها و سندهای دبیرخانه‌ی بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیش‌نویس اعلامیه را تهیه کند. او نیز این کار را انجام داد. بر مبنای همین متن که دیگر اعضای گروه کاری موقت آن را کمی تغییر دادند، مجموعه‌ی «کمیته‌ی نگارش» سندی را تهیه کرد که به «کمیسیون» ارائه شد.^{۲۸}

«کمیته‌ی نگارش» بر سر پیش‌نویس معاهده‌ی پیشنهادی انگلستان چندان درنگ نورزید و سرانجام روایتی از آن را با اندکی تغییر و تنظیم مجدد به صورت گزارش — و نه توصیه — به «کمیسیون» ارائه کرد.^{۲۹}

همان‌گونه که النور روزولت خاطرنشان کرده، «اعلامیه» بر مبنای یکی از دو پیش‌نویس تنظیم شد که با بیشترین دقت و توجه اندیشیده و نگاشته شده بود.^{۳۰} و اما به تدابیر عملی وقت و توجه باز هم کمتری اختصاص داده شد. در واقع فقط یک اجلاس به این مسأله اختصاص یافت و «کمیته‌ی نگارش» صرفاً

۲۸. پیش‌نویس رنه کاسن که نسخه‌ی اصلی آن در بایگانی ملل متحد در نیویورک است، به اختلاف نظرهایی دامن زده است. عده‌ای از این متن برای پشتیبانی از این نظر استفاده کرده‌اند که کاسن «بدر اعلامیه‌ی جهانی» است. در مقابل، عده‌ای دیگر تا بدان جا پیش رفته‌اند که در ایراد به این متن گفته‌اند که چیزی بیش از ترجمه‌ی فرانسوی اندکی تغییر یافته‌ی سندی نیست که دبیرخانه‌ی بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد تدوین کرده است. جان. پ. هامفری که البته در این مورد بی‌غرض‌ترین ناظر نیست، نظر خود را در این باره در کتاب زیر بیان کرده است:

Human Rights and the United Nations: A Great Adventure (op. cit. (16), pp. 42-45.

همچنین نگاه کنید به سند زیر:

E/CN. 4/21, United Nations, Economic and Social Council, Commission on Human Rights, Drafting Committee on an International Bill of Human Rights, First Session (Nations Unies, Conseil économique et social, Comité de rédaction sur une déclaration internationale des droits de l'homme, 1^{re} session), *Report of the Drafting Committee to the Commission on Human Rights*, 1 July, 1947, pp. 3-4.

و نیز نگاه کنید به دست‌نوشته‌ی رنه کاسن و ترجمه‌ی آن در صفحه‌ی بعد.

29. UN Doc. E/CN/4/21, *Report of the Drafting Committee*, pp. 64-67.

30. *Mémoire*: «Conversation...», op. cit. (26).

مجموعه‌ای از ملاحظات غالباً ابتدایی اعضای خود را که در جریان این اجلاس بیان شده بودند در اختیار کمیسیون حقوق بشر قرار داد.^{۳۱}

بدین ترتیب کمیسیون حقوق بشر به هنگام برگزاری دومین جلسه‌اش در دسامبر ۱۹۴۷ سه گزارش را پیش روی خود داشت: پیش‌نویس مختصر اعلامیه‌ی اصولی عام که از حمایت ایالات متحد برخوردار بود؛ معاهده‌ی الزام‌آوری که در اساس انگلستان آن را عرضه کرده بود؛ و چند تفسیر مختلف درباره‌ی تدابیر عملی.^{۳۲}

31. Document Nations Unies: UN Doc E/CN.4/21, *Report of the Drafting Committee*, pp. 4-5.

32. J.F. Green, *op. cit.* (7), p. 25.

فتوکی پیش نویس اعلامیه که رنه کاسن به درخواست « کمیته ی نگارش » نوشته است
(ژوئن ۱۹۴۷).

GOVERNEMENT PROVISOIRE
REPUBLIQUE FRANÇAISE

16

Préambule

Il est fait
mention de
la Déclaration
des Droits de
l'Homme
de 1789
et de la
Déclaration
des Droits
de l'Homme
de 1948
qui ont servi
de base à
la rédaction
de ce texte
et qui ont
été
révisés
en tenant
compte
des
événements
survenus
depuis
1945.

Peuples des Nations Unies,
L'ignorance et la superstition
ont été une des causes les plus importantes
des guerres et des massacres qui ont ensanglanté la terre au
cours de deux guerres mondiales;
que, dans la détermination d'établir l'équilibre
des pouvoirs et de la morale, de la justice et de
la dignité de l'homme, il est de parler et de croire,
et de se tenir à l'autre de la ~~justice~~ ^{morale} et de la justice, a
été proclamé comme le principe de la plus
la plus récente culture;
que, dans la Charte du 26 juin 1945, nous avons
réaffirmé notre foi dans les droits fondamentaux de
l'homme, dans la dignité et la valeur de la personne
humaine et dans l'égalité de tous les hommes
et de toutes les femmes;
que, dans la Charte des Nations Unies, nous avons
réaffirmé notre foi dans les droits de l'homme et des libertés
fondamentales, dans l'égalité de tous les hommes de race,
de sexe, de langue ou de religion;
que, il importe que nous soyons unis et
parallèles à nos frères, la communauté des Nations et
partout tout au long de la terre, et que la
déclaration de la justice par les Nations Unies
soit la base de la coopération internationale.

Tout le monde...

XI No one shall be subjected to arbitrary searches or seizures or to unreasonable interference with his person, ~~his family relations,~~ ^{family relations,} reputation, privacy, ~~his~~ ^{or} personal property.

XII The sanctity of the home and the secrecy of correspondence shall be respected.

XIII Slavery and compulsory labour are inconsistent with the dignity of man and therefore prohibited by this Bill of Rights. That a man may be required to perform his just share of any public service that is equally incumbent upon all, and his right to a livelihood is conditioned by his duty to work. Involuntary servitude may also be imposed as part of a punishment pronounced by a court of law.

پیش‌نویس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

پیشنهادی استاد رنه کاسن، نماینده‌ی فرانسه در کمیته‌ی نگارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۶ ژوئن ۱۹۴۷).

دیباچه

ما، مردمان ملل متحد،

۱. از آن جا که نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر از مهم‌ترین علل رنج‌های بشر و به‌ویژه قتل‌عام‌هایی بوده‌اند که در جریان دو جنگ جهانی دنیا را آلوده‌اند؛
۲. از آن جا که صلح فقط در صورتی امکان‌پذیر است که حقوق و آزادی‌های بشر رعایت شوند و در عین حال، این حقوق و آزادی‌ها نیز فقط در صورتی به تمامی رعایت می‌گردند که جنگ و تهدیدهای جنگ از میان بروند؛
۳. از آن جا که برقراری نظامی که در آن انسان‌ها در پرتو آزادی گفتار و اعتقاد، از وحشت و فقر درامان باشند، برترین هدف مبارزه‌ی جاری اعلام شده است؛
۴. از آن جا که در منشور ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت، کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق تمام مردان و زنان دوباره اعلام کرده‌ایم؛
۵. از آن جا که یکی از هدف‌های ملل متحد، تحقق همکاری بین‌المللی در پرتو گسترش و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بسی هیچ تمایزی از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین است؛
۶. از آن جا که بسیار مهم است که جامعه‌ی ملل از این حقوق و آزادی‌ها حمایت کند و قانون بین‌المللی و نیز قوانین ملی به تضمین آن‌ها بپردازند؛
۷.

مصمم شده‌ایم که در اعلامیه‌ای رسمی، حقوق ضروری و آزادی‌های اساسی انسان را معین سازیم تا این اعلامیه‌ها که همواره در پیش روی تمام اعضای جامعه‌ی جهانی قرار دارد، حقوق و وظایف آنان را پیوسته یادآوری کند و سازمان ملل متحد و اعضای آن نیز همیشه بتوانند اصول مندرج در این اعلامیه را به کار بندند.
در نتیجه، اعلامیه‌ی زیر را تصویب کرده‌ایم:

فصل ۱. اصول عام

ماده ۱

همگی انسان‌ها که اعضای خانواده‌ای واحداند، آزاد و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق برابر هستند و باید یکدیگر را برادر بدانند.

ماده ۲

رسالت جامعه آن است که این امکان را برای همه انسان‌ها فراهم آورد که شخصیت طبیعی، فکری و اخلاقی خود را به‌طور همه‌جانبه و در پرتو امنیت رشد دهند، بی آن که هیچ یک از این وجوه سه‌گانه قربانی دیگری شود.

ماده ۳

انسان نمی‌تواند به‌دور از کمک و پشتیبانی جامعه زندگی کند و هدف‌هایش را تحقق بخشد؛ هرکس در برابر جامعه وظایفی اساسی دارد: پیروی از قانون، انجام دادن فعالیتی مفید، پذیرش مسئولیت‌ها و فداکاری‌های لازمی خیر مشترک.

ماده ۴

حقوق هر فرد با حقوق دیگران محدود می‌شود.

ماده ۵

قانون برای همگان یکسان است و هم در مورد مقامات عمومی به اجرا درمی‌آید، هم در مورد قضات و هم در مورد افراد عادی. آنچه را منع قانونی ندارد، نمی‌توان ممنوع کرد.

پیش‌نویس دیباچه

متن گروه کاری کمیته‌ی نگارش (روایت دوم)، ۱۶ ژوئن ۱۹۴۷

ما، مردمان ملل متحد،

از آن جا

۱. که نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر از مهم‌ترین علل رنج‌های بشر و قتل‌عام‌ها و وحشی‌گری‌هایی بوده‌اند که وجدان بشر را پیش از جنگ جهانی اخیر و به‌ویژه در طول آن جریحه‌دار ساخته‌اند؛

۲. که صلح راستین فقط در صورتی امکان‌پذیر است که حقوق و آزادی‌های بشر رعایت شوند و درعین حال این آزادی‌ها فقط در صورتی برای همگان تضمین می‌شوند که جنگ و تهدید آن از میان برود؛

۳. که برقراری نظامی که در آن انسان‌ها با بهره‌مندی از آزادی گفتار و اعتقاد، از وحشت و فقر درامان باشند، برترین هدف مبارزه‌ی جاری اعلام شده است؛

۴. که در آغاز منشور ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق تمام مردان و زنان دوباره اعلام کرده‌ایم؛

۵. که یکی از هدف‌های ملل متحد، تحقق همکاری بین‌المللی در پرتو گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بی هیچ تمایزی از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین است.

مصمم شده‌ایم که در اعلامیه‌ی رسمی، حقوق ضروری و آزادی‌های اساسی انسان را معین سازیم تا این اعلامیه که همواره در پیش روی تمام اعضای جامعه‌ی جهانی قرار دارد، حقوق و وظایف آنان را پیوسته یادآوری کند و سازمان ملل متحد و دولت‌های عضو آن نیز همیشه بتوانند اصول مندرج در این اعلامیه را به کار بندند. در نتیجه، اعلامیه‌ی زیر را تصویب کرده‌ایم (...)

اسناد کمیته‌ی نگارش

بایگانی رنه کاسمن، پاریس.

● دسامبر ۱۹۴۷ - دومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر در دومین اجلاس خود در دسامبر ۱۹۴۷ کار در سه عرصه - اعلامیه، معاهده(ها) (که امروزه «پیمان» نامیده می‌شوند)، و تدابیر عملی - را ادامه داد و سه گروه کاری ایجاد کرد. اگرچه این اجلاس دو هفته بیشتر طول نکشید، «کمیسیون» در تدوین «اعلامیه» به پیشرفت‌های چشم‌گیری رسید و در پایان اجلاس پیش‌نویس تقریباً کاملی در اختیار داشت که می‌توانست آن را برای نظرخواهی به دولت‌ها بدهد. پیش‌نویس معاهده نیز - البته به همان صورتی که انگلستان پیشنهاد کرده بود و چندان کامل نبود - برای نظرخواهی در اختیار دولت‌ها گذاشته شد.

«کمیسیون حقوق بشر در دومین اجلاس خود، پس از چند روز مباحثه که در طول آن خانم روزولت (ایالات متحده) و آقای بوگومولوف (اتحاد جماهیر شوروی) از دیدگاه‌های‌شان دربارهٔ اولویت «اعلامیه» بر «معاهده» دفاع کردند و آقای داکستون (انگلستان) و آقای هاجسون (استرالیا) بر اهمیت «معاهده» تأکید ورزیدند، پیشنهاد آقای دهوس (بلژیک) را در مورد ایجاد سه گروه کاری برای بررسی مسائل زیر با اکثریت آرا تصویب کرد:

● مسائل «اعلامیه»،

● مسائل «معاهده»

و

● تدابیر عملی.

(...) گروه کاری (...) با توجه به مواد پیشنهادی برای درج در «اعلامیه»،

از افراد زیر تشکیل شده بود:

- آقای استپانفنکو (بیلاروسیا)

- خانم روزولت (ایالات متحده)

- آقای کاسن (فرانسه)

- آقای آمادو (پاناما)

- آقای رومولو (فیلیپین)

- آقای بوگومولوف (اتحاد جماهیر شوروی).

ناگفته نماند که برای نخستین بار، هیأت نمایندگی شوروی در مباحثات،

به ویژه در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقشی مثبت ایفا کرد. هرچند آقای بوگومولوف اعلام کرده بود که درباره‌ی مجموع پیش‌نویس «اعلامیه» قید و شرط‌های جدی و دقیقی دارد و آن را ناکافی می‌داند، هیأت نمایندگی شوروی توانست بر «اعلامیه»، به ویژه در مورد اعمال مشخص و ملموس حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تأثیری چشم‌گیر بگذارد.»
(Albert Verdoodt, *op. cit.*, p. 47.)

● ژوئن ۱۹۴۸ - سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر در سومین اجلاس خود به بررسی تفسیرهایی پرداخت که دولت‌های مختلف درباره‌ی پیش‌نویس ارائه کرده بودند. در جریان بررسی معلوم شد که این تفسیرها چندان زیاد نیستند و بیشتر به پیشنهادهای ساده شباهت دارند: کمبود وقت و کندی و سنگینی ذاتی بوروکراسی‌های دولتی، همراه با اولویت بسیار کمی که دولت‌ها برای حقوق بشر قائل می‌شدند، در محدود کردن تعداد، دقت و جامعیت پاسخ‌ها نقش داشتند.^{۳۳} با این همه «کمیسیون» در پیش‌نویس به تجدیدنظر پرداخت و آن را به «شورای اقتصادی و اجتماعی» توصیه کرد و این شورا نیز پس از مناظره‌ای کوتاه آن را به «مجمع عمومی» فرستاد.

بدین ترتیب هنگامی که «مجمع عمومی» در سپتامبر ۱۹۴۸ در پاریس تشکیل جلسه داد، متن پیش‌نویس «اعلامیه» را که سه ماه پیش به تأیید کمیسیون حقوق بشر رسیده بود، در اختیار داشت. این متن به سومین کمیته‌ی «مجمع عمومی» تسلیم شد که چارلز مالک رئیس آن بود و النور روزولت نیز نمایندگی آمریکا را برعهده داشت. رنه کاسن و تعدادی از دیگر اعضای «کمیسیون» نیز کشورهای خود را نمایندگی می‌کردند.

33. (document Nations Unies): E/CN.4/82/Add.4, United Nations, Economic and Social Council, Commission on Human Rights (Nations Unies, Conseil économique et social, Commission des droits de l'homme), *Comments from Governments on the Draft International Declaration of Human Rights and Measures of Implementation.*

● پاییز ۱۹۴۸

پیش‌نویس اعلامیه‌ی عام حقوق بشر که آن را کمیسیون حقوق بشر در طول دو سال تدوین کرده بود به مجمع عمومی ملل متحد تسلیم شد که در اکتبر ۱۹۴۸ در پاریس تشکیل جلسه داده بود.

مجامع سرتاسر دنیا که در مورد موضوع حقوق بشر بسیج شده بودند، خواسته‌ها و ملاحظات خود را برای کمیته‌های مسئول مجمع عمومی فرستادند.

از جمله، شورای جهانی کلیساها:

COMMISSION OF THE CHURCHES ON INTERNATIONAL AFFAIRS
Established by
The World Council of Churches
and
The International Missionary Council

Kenneth G. Gruss C.M.G. (London)
Executive Chairman

O. Frederick Nolde (New York)
Director

Sartell Prentice, JR. (New York)
Administrative Secretary

297 Fourth Avenue
New York 10, New York

—
Gremercy 5-3475

November 18, 1948

استاد رنه کاسن

کمیته‌ی سوم

قصر شایلو

پاریس، فرانسه

استاد کاسن عزیز،

من ضروری دانستم که پاریس را برای مدتی کوتاه ترک کنم، اما به احتمال زیاد در اواخر هفته‌ی آینده به آنجا بازمی‌گردم. در این میان اجازه می‌خواهم مراتب قدردانی خود را از هواداری پرشور شما از پیش شرط‌های ضروری برای آزادی اندیشه، اعتقاد و دین بیان کنم. به‌ویژه مایه‌ی شادمانی من است که شما در متن فرانسوی، واژه‌ی

«اعتقادات» را جایگزین «ایمان» کرده‌اید. این امر، هدف مطلوب همه‌ی ما را تضمین می‌کند.

ماده‌ی ۱۶ به ترتیبی که کمیسیون حقوق بشر تدوین، و کمیته‌ی سوم تصویب کرده، ممکن است معنایی گسترده داشته باشد. به‌طور کلی این ماده پیش‌شرط‌هایی را بیان می‌کند که برای تحقق آزادی دینی ضروری هستند. این ماده، ارجاع به آزادی اندیشه و وجدان و آزادی تغییر دین یا اعتقاد را دربردارد و اصلی را به رسمیت شناخته که رقابت مسالمت‌آمیز میان باورها و ایده‌تولوژی‌های مختلف را ممکن می‌سازد. در دنیایی که پیوسته کوچک‌تر می‌شود، تأثیر یک نظام فکری بر دیگری، کاربرد این اصل را به ضرورتی قطعی برای صلح و نظم جهانی بدل می‌سازد.

بنابراین، اهمیت عاجل دارد که هنگامی که مجمع عمومی در اجلاس عمومی خود به تصمیم‌گیری نهایی درباره‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌پردازد، متن کامل ماده‌ی ۱۶ حفظ و تأیید شود. با دروهای صمیمانه، او. فردریک نولد

کنگره‌ی جهانی یهود:

CONGRÈS JUIF MONDIAL

Tél. : Balzac 06-96 - Agence Télégraphique : WORLDGRESS
78, avenue des Champs-Élysées
PARIS 8^e

WORLD JEWISH CONGRESS

GENÈVE

37, quai Wilson
Tél. : 20128

NEW YORK N.Y.

1834 Broadway
Tél. : Circle 6.1900

LONDON W.1

96, New Cavendish Street
Welbeck 03-3 S

CONGRESO JUDIO MUNDIAL

BUENOS AIRES

Corrientes 2024
Union Tél. : 47 (Cuyo) S660

Novembre 1948

S.E. le Délégué de FRANCE
à la Troisième Commission
de l'Assemblée Générale
de l'Organisation des
Nations Unies
Palais de Chaillot
PARIS

عالی جناب،

پیشنهاد ماده‌ای جدید به جای ماده‌ی ۲۹ (توضیحی درباره‌ی واژه‌ی «خودسرانه»).

کنگره‌ی جهانی یهود به‌عنوان سازمانی که مطابق با ماده‌ی ۷۱ منشور ملل متحد، در «شورای اقتصادی و اجتماعی» از مقام مشورتی برخوردار است، در تدوین پیش‌نویس اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق بشر شرکت ورزیده است. کنگره‌ی جهانی یهود با احترام تمام توجه شما را به پیشنهادی برای یک ماده ۲۹۵ جدید جلب می‌کند.

هیأت نمایندگی لبنان گنجاندن یک ماده‌ی ۲۹ جدید را به شرح زیر پیشنهاد می‌کند: «قوانین هر دولتی تا آن جا که به حقوق بشر مربوط می‌شوند، باید با هدف‌ها و اصول ملل متحد که در این اعلامیه بیان شده‌اند سازگار باشند.»

ماده‌ی مشابهی که به تازگی به هنگام تنظیم متن ژنو اعلامیه به اتفاق آرا به تصویب رسیده، در سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر فقط به این علت حذف شده که با توجه به متن ماده‌ی ۲، زاید به حساب آمده است. اما این کار اشتباه بوده — همان‌گونه که در زیر نشان داده می‌شود — و از آن‌جا ناشی شده که این ماده در پایان مذاکرات به بحث گذاشته شده و وقت کافی برای ارزیابی عمیق پیامدهای حذف آن وجود نداشته است.

گنجاندن مجدد این ماده که حاصل پذیرش پیشنهاد هیأت نمایندگی لبنان خواهد بود به نظر ما به‌ویژه برای روشن‌تر شدن معنای واژه‌ی «خودسرانه» که در چند ماده‌ی «اعلامیه» به کار رفته، ضروری است.

در ماده‌ی ۷ «اعلامیه» چنین آمده است: «هیچ‌کس را نباید خودسرانه توقیف یا حبس کرد.»

در ماده‌ی ۱۰ آمده است: «نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت‌گاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌های ناروا صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی هدف حمله‌های نادرست قرار گیرد.»

در بند دوم ماده‌ی ۱۳ نوشته شده: «هیچ‌کس را نباید خودسرانه از تابعیت خویش، یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.»

در بند دوم ماده‌ی ۱۵ آمده است: «هیچ‌کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت

محروم کرد.»

اکثریت شرکت‌کنندگان در «سومین کمیسیون» دیدگاه چندین هیأت نمایندگی را مبنی بر این‌که، واژه‌ی «خودسرانه»، مترادف عبارت «به‌طور غیرقانونی» نیست، تأیید کرده بودند.

نه فقط اقدامات غیرقانونی، بلکه قوانین نیز در صورتی که انسان‌ها را از حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان محروم کنند، خودسرانه خواهند بود. هیتلر و حکومت نازی‌ها با صدور قوانینی که بر اساس نظام قانونی آلمان اعتبار صوری داشتند همواره «به‌طور قانونی» رفتار می‌کردند، اما قوانین آن‌ها در ذات خود جنایت بر ضد نوع بشر محسوب می‌شدند.

گنجاندن مجدد ماده‌ی ۲۹ که بر اساس آن تمام قوانین هر کشوری، در مورد آن‌چه به حقوق بشر مربوط می‌شود، باید با اصول و مقاصد ملل متحد سازگار باشند، به روشنی آشکار می‌سازد که هر قانونی که این اصول و مقاصد را نقض کند، از دیدگاه حقوق بین‌المللی، خودسرانه خواهد بود.

چنین ماده‌ای حاکمیت هیچ دولتی را نقض نمی‌کند و با بند ۷ ماده‌ی ۲ «منشور» نیز در تضاد نیست. اصول و مقاصد «منشور» را تمام دولت‌های عضو ملل متحد پذیرفته‌اند و هر یک از آن‌ها با پذیرش این «منشور» متعهد شده است که از اصول و مقاصد آن سرپیچی نکنند. بنابراین، پیش‌نویس جدید ماده‌ی ۲۹ چیزی جز تکرار مجدد و رسمی اصولی نیست که به تأیید تمام دولت‌های عضو ملل متحد رسیده و گنجاندن مجدد این ماده به‌ویژه از آن‌رو ضروری است که در غیر این صورت واژه‌ی «خودسرانه» معنای دقیقی نخواهد داشت.

حذف تأسفانگیز ماده‌ی مشابه آن در متن ژنو، در جریان سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در لیک ساکسس ناشی از آن بود که گویا موضوع ماده‌ی ۲۹ در ماده‌ی ۲ آمده است که مطابق آن هرکس می‌تواند از تمام حقوق و آزادی‌ها بهره‌مند گردد. با این همه در آن هنگام توجه نشد که هرکس فقط می‌تواند از حقوق و آزادی‌های ذکرشده در «اعلامیه» بهره‌مند شود. به عنوان مثال، بر اساس ماده‌ی ۲، از هرکس در برابر توقیف و حبس خودسرانه دفاع خواهد شد. اما این امر معنای «محرومیت خودسرانه از آزادی» را به روشنی تعریف نمی‌کند و توضیح نمی‌دهد که قوانین ناقض اصول و مقاصد ملل متحد باید خودسرانه محسوب شوند.

بنابراین، در نهایت احترام از عالی جناب تقاضا می‌کنیم به پیشنهاد اصلاحی هیأت نمایندگی لبنان رأی بدهید که در سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر به اتفاق آرا به تصویب رسیده و به نظر ما ستون اصلی «اعلامیه» است.
خواهشمندیم احترامات همه‌جانبه‌ی ما را بپذیرید.

دکتر ف. ر. بینانقلد

سیلون کان - دبره

عضو کمیته‌ی اجرایی

مدیر دفتر کنگره در پاریس

مشاور حقوقی

انجمن فرانسوی دفاع از حقوق زنان:

LIGUE FRANÇAISE POUR LE DROIT DES FEMMES 3, rue Victor-Massé — Paris-IX^e

Fondée en 1870 par Léon Richer

Anciens présidents d'honneur :
Victor Hugo - Victor Schœlcher
René Viviani - Louis Martin

Présidence :

1870-1893, Léon Richer
1893-1904, Marie Pognon
1904-1918, Marie Bonneval
1918-1938, Marie Véroine
1938-1943, O. Lhermitte

Comité d'Honneur :

MM. Julliot de la Morandière, doyen de la Faculté de droit de Paris ; Justin Godart, ancien ministre ; Dr Sicard de Plausolm, directeur de l'Institut Alfred-Fournier, président de la Ligue des droits de l'homme ; Laborde-Lacoste, professeur à la Faculté de droit de Bordeaux ; Paul Costant, président honoraire à la Cour d'Appel de Paris ; Louis Mario, ancien ministre, député à l'Assemblée nationale constituante ; Mauger, ancien sénateur ; Jean Bon, ancien député.

Mmes Amieux, directrice honoraire de l'École normale supérieure de jeunes filles à Sévres ; Maryse Bastié, aviatrice ; Judith Cladel, femme de Lettres ; Marianne Vargier, ancien membre de l'Assemblée consultative ; Germaine Rédier, présidente de l'Association des françaises diplômées des Universités ; Eugène Simon, présidente fondatrice des Ligues de Bonté.

Chèques-postaux, Paris 1002-50

Présidente :

Andrée Lehmann
Avocate à la Cour d'appel de Paris

Le 2 décembre 1948

A Monsieur le Professeur Cassin
Conseiller de la Délégation Française
à la 3^e Session
de l'Assemblée générale de l'ONU

عالی جناب،

اجازه می‌خواهم نامه‌ای را یادآور شوم که در ۱۳ نوامبر گذشته، افتخار فرستادن آن برای شما نصیب شده و درباره‌ی نگارش ماده‌ی ۴ اعلامیه حقوق بشر بوده است. در آن نامه به شما خاطر نشان کرده بودم که عبارت «آنان» (مرد و زن) «در مورد ازدواج حقوق برابر دارند»، ممکن است درباره‌ی حقوق زن و مرد نسبت به این برابری در طول ازدواج تردیدی باقی بگذارد.

من کارهای «سومین کمیسیون» را که به نگارش کنونی ماده‌ی ۱۴ جدید انجامیده‌اند، پی‌گیری کرده و دریافته‌ام که نگرانی هیأت‌های نمایندگی گوناگون در مورد نگارش بندی که توجه ما را جلب کرده بود، مشابه نگرانی ما است و سرانجام به نگارش ماده‌ی کنونی انجامیده که نارسایی آن شما را وادار کرده که بر ضد متن کامل ماده‌ی ۱۴ رأی بدهید.

امروز با شادمانی بسیار باخبر شدیم که شما به اتفاق آرا به ریاست کمیسیون فرعی مسئول تنظیم متن نهایی برگزیده شده‌اید.

جناب استاد اجازه می‌خواهم که یکبار دیگر پیشنهادهای مان را در باره‌ی نگارش ماده‌ی ۱۴ که خود شما نیز بی‌هیچ تردیدی خواستار تغییرات عمده‌ای در آن هستید، در اختیارتان بگذارم. به نظر ما این پیشنهادها را می‌توان به ترتیب زیر مطرح کرد:

بند ۱. مطابق با ماده‌ی ۲ اعلامیه‌ی حاضر، مرد و زن بالغ حق دارند با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند.

بند ۲. ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه‌ی زن و مرد صورت گیرد. مردان و زنان باید در تمام طول زناشویی و هنگام انحلال آن، از حقوق برابر بهره‌مند شوند.

ما به خوبی درک می‌کنیم که عبارات به کار رفته در پیش‌نویس اولیه‌ی کمیسیون حقوق بشر «آنان در مورد ازدواج حقوق برابر دارند» در ذهن نویسندگان‌شان به معنای «در تمام مراحل ازدواج» بوده است، ولی به نظر ما اعلامیه‌ی حقوق بشر را همگان باید به نحوی دریابند که نیازی به مراجعه به کارهای مقدماتی مربوط به آن نباشد و به همین سبب ضروری می‌دانیم که برابری حقوق زنان و شوهران در تمام مدت زناشویی یا صراحت در «اعلامیه» بیاید.

عالی جناب، از صمیم قلب امیدواریم که دیدگاه ما را بپذیرید و پیشاپیش مراتب

حق شناسی بی پایان خود را اعلام می کنیم. جناب استاد خواهش مندیم احترامات صمیمانه‌ی ما را بپذیرید.

آ. لمان

اتحادیه‌ی بین‌المللی سازمان‌های خانوادگی:

Union Internationale des Organismes familiaux
International Union of Family Organisations

Secrétariat général
28, place Saint-Georges
Paris IX^e TRUdaine 96-70

RB/SC 911
1 pièce jointe

Secrétariat général
28, place Saint-Georges
Paris IX^e TRUdaine 96-70

Le 2 décembre 1948

آقای رنه کاسن
معاون شورای دولتی
پاله روایال
پاریس
آقای رئیس

افتخار دارم توجه نیک خواهانه‌ی شما را به یکی از خواسته‌های اتحادیه‌ی بین‌المللی سازمان‌های خانوادگی، در مورد اعلامیه‌ی حقوق بشر جلب کنم. ما امیدواریم سازمان ملل متحد که شورای اقتصادی و اجتماعی آن به اتحادیه‌ی بین‌المللی سازمان‌های خانوادگی، جایگاه مشورتی، رده‌ی ب، اعطا کرده، در تصمیم‌هایی که ممکن است درباره‌ی اعلامیه‌ی حقوق بشر بگیرد، خواسته‌ی ما را نیز در نظر داشته باشد.

آقای رئیس از شما خواهش مندیم احترامات بی پایان ما را بپذیرید.

دبیرکل
(ژان دلاپورت)

اتحادیه‌ی بین‌المللی سازمان‌های خانوادگی

با توجه

به آن که از یک سو در بیشتر کشورها و به ویژه در آنهایی که مصیبت جنگ را کشیده‌اند، منابع بسیاری از خانواده‌ها برای تأمین حداقل معاش کافی نیست. و از سوی دیگر،

با توجه

به ناهماهنگی میان سطح زندگی متوسط خانواده‌ها و زوج‌های بی‌فرزند و نیز فقری که شمار بسیار زیادی از خانواده‌ها در آن فرو رفته‌اند و در وضعیت کنونی تمدن ما به کلی ناعادلانه است.

خواستار

آن است که در اعلامیه‌ی حقوق بشر ماده‌ای به حق ضروری خانواده‌ها در مورد داشتن زندگی‌ای منطبق با نیازها و خواسته‌های‌شان، و در نتیجه به حق دریافت غرامت متناسب با هزینه‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی‌شان، اختصاص یابد.

مباحثه در باب متن «اعلامیه» در مجمع عمومی ملل متحد (سپتامبر - دسامبر ۱۹۴۸)

کار بسیار جدی کمیسیون حقوق بشر، مانع آن نشد که «سومین کمیته»، با بیشترین توجه به مباحثه‌ی عمیق درباره‌ی متن پیش‌نویس «اعلامیه» پردازد. این کمیته درباره‌ی پیش‌نویس «اعلامیه» هشتاد و پنج جلسه برگزار کرد - صرف‌نظر از بیست جلسه‌ای که در کمیته‌های فرعی گوناگون برگزار شدند.^{۳۴} اگرچه بسیاری از نکاتی که پیشتر در درون «کمیسیون» مورد بحث قرار گرفته

34. *Third Committee, Summary Records (Troisième Comité, Comptes rendus).*

همچنین نگاه کنید به خلاصه‌ای که چارلز مالک از کار «سومین کمیته» عرضه کرده است: United Nations Official Records of the Third Session of the General Assembly, Part I, Plenary Meetings of the General Assembly (Comptes rendus officiels des Nations Unies de la 3^e session de l'Assemblée générale, 1^{re} partie, Réunions Plénières de l'Assemblée générale), *Summary Records of Meetings (Comptes Rendus des réunions)*, 21 sept-12 déc. 1948 (Palais de Chaillot, Paris), p. 860.

بودند در «سومین کمیته» نیز دوباره مطرح گشتند، و چندین اصلاحیه نیز پیشنهاد و به رای گیری گذاشته و بعضی از آنها تصویب شدند، سندی که سرانجام «سومین کمیته» در ۶ دسامبر ۱۹۴۸ تهیه کرد، هم از حیث سبک و هم از نظر جمله بندی شباهت نمایی به پیش نویس پیشنهادی «کمیسیون» داشت.

پس از مناظره‌ای پرشور، که البته در مقایسه با مناظره‌های پیشین در درون «سومین کمیته» نسبتاً کوتاه بود، و پس از تصویب فقط یک اصلاحیه، مجمع عمومی ملل متحد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با ۴۸ رأی موافق، ۸ رأی ممتنع و بی هیچ رأی مخالفی تصویب کرد.

آرای ممتنع به کشورهای سوسیالیست اروپای شرقی (سابق)، اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی و عربستان سعودی تعلق داشتند (دلایل این رأی را جلوتر بررسی خواهیم کرد).

النور روزولت از جمله افرادی بود که برای تأمین اتفاق آرا تلاش ورزیده و با چندین نماینده‌ی متزلزل به تماس و مباحثه‌ی شخصی پرداخته بود.^{۲۵} به همین

۲۵. پورتر مک کیور که در هیأت نمایندگی ایالات متحد در ملل متحد با النور روزولت کار می‌کرد، ماجرای جالبی را نقل می‌کند: النور روزولت پی می‌برد که هیأت نمایندگی پاکستان در «سومین کمیته» قصد دارد به «اعلامیه» رأی مخالف بدهد زیرا اعتقاد دارد که بند مربوط به حمایت از حق تغییر دین، برخلاف احکام اسلام است - دیدگاهی که در واقع به رأی ممتنع نماینده‌ی عربستان در رأی گیری نهایی انجامید. خانم النور روزولت این مسأله را با آقای محمد ظفرالله خان، رئیس هیأت نمایندگی پاکستان، در میان گذاشت. ظفرالله خان اطمینان داد که حتی اگر به کلی درست باشد که چنین حکمی در قرآن آمده است، همین کتاب مقدس آموزش می‌دهد که ربا و تزویر گناهی وخیم‌تر است و در نتیجه هیچ کس نباید به دینی که اعتقادی به آن ندارد، اقرار آورد. پاکستان به نفع «اعلامیه» رأی داد. نگاه کنید به:

(McKeever interview, May 24, 1979, Eleanor Roosevelt Oral History Project, Biblioth. F. O. Roosevelt, New York).

محمد ظفرالله خان هنگام بحث در مجمع عمومی، این آیه‌ی قرآن را ذکر کرد: «بگذارید کسی که ایمان داشتن را برگزیده است، ایمان داشته باشد، و کسی که ایمان نداشتن را برگزیده است، ایمان نداشته باشد.» سپس به نمایندگان گفت: «آن چه محکوم شده، نداشتن ایمان نبوده، بلکه تزویر بوده است.»

General Assembly, Summary Records (صورت جلسات مجمع عمومی) p. 890.

←

سبب، پس از رأی‌گیری و به تصویب رسیدن اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد، نمایندگان حاضر در تالار قصر شایلو به‌پا خاستند و با تشویق و تحسین پرشور، ستایشی استثنایی از او به عمل آوردند.

موضوعات مناظره بر سر تعریف و محتوای حقوق بشر

هنگامی که جان. پ. هامفری و گروه او در بخش حقوق بشر ملل متحد در پی اجرای مأموریت خود مبنی بر تدوین یک سند کاری برآمدند تا کمیسیون حقوق بشر بر مبنای آن کارهایش را آغاز کند، فرایندی از باریک‌اندیشی و مباحثه‌ی فکری را در باره‌ی مجموعه‌ی ابعاد حقوق بشر شروع کردند که امروزه نیز هنوز ادامه دارد. البته پیش از آن مباحثاتی در باب محتوای حقوق بشر صورت گرفته بود. هدف از مبارزه با جنگ‌های جهانی این بود که نوعی برداشت از حقوق بشر معین و محترم شمرده شود؛ اما این مباحثات آغازین در میان افراد متعلق به فرهنگی واحد درگرفته بودند که ارزش‌های مشترکی داشتند و در مکان‌هایی نسبتاً نزدیک هم به‌سر می‌بردند. چیزی که آنان خواستارش بودند، یافتن رشته‌های متفاوتی بود که قادر باشند جنبه‌های گوناگون حقوق بشر را در دل فرهنگ خودشان به هم پیوند دهند و مستحکم سازند.

اما هدفی که جان هامفری و کمیسیون حقوق بشر دنبال می‌کردند کاملاً متفاوت بود و ماهیتی بسیار پیچیده‌تر داشت. آنان می‌خواستند برداشتی مشترک از حقوق بشر بیابند که همگان، به رغم تفاوت‌های بسیار میان فرهنگ‌ها، نظام‌های سیاسی، جایگاه‌های جغرافیایی و اوضاع و احوال‌شان آن را بپذیرند. در واقع عده‌ای معتقد

←

همچنین نگاه کنید به:

Joseph P. Lash, *Eleanor: The Years Alone*, London: André Deutsch, 1973, p. 79.

هربرت اوات، رئیس استرالیایی «مجمع عمومی» ستایش‌های بسیار ویژه‌ای را نثار النور روزولت کرد: «حضور خانم روزولت که همراه با بسیاری از دیگر اشخاص در کار تدوین «اعلامیه» نقشی درجه اول ایفا کرده و نامی را که به او تعلق داشته به بلندای رفیع‌تری برکشیده است، مایه‌ی افتخار بسیار ویژه‌ی این مجمع است.»

General Assembly, Summary Records, p. 934.